

حق انتخاب: چه معنایی دارد؟

آر. سی. اسپرول

ماهیت دیدگاه «حق انتخاب» چیست؟ اگر یک خانم بگوید که من شخصاً سقط جنین را انجام نمی‌دهم، اما نمی‌خواهم حق انجام آن را برای شخص دیگری انکار کنم، چه دلایلی ممکن است باعث شود این خانم در انجام سقط جنین مردد باشد؟ شاید او به سادگی می‌خواهد تا حد امکان بچه داشته باشد و اصلاً پیش‌بینی نمی‌کند که ممکن است در آینده با بارداری ناخواسته روبرو شود. شاید این فرد فکر می‌کند جنین یک انسان زنده است یا از وضعیت جنین مطمئن نیست. شاید او فکر می‌کند که جنین، یک انسان زنده است یا نسبت به وضعیت جنین مطمئن نیست. شاید او باور دارد که جنین، یک انسان زنده است، اما نمی‌خواهد این دیدگاه را به دیگران تحمیل کند. در اینجا به مهمترین نکته در دیدگاه «حق انتخاب» می‌رسیم. آیا حق انتخاب، یک حق مطلق است؟ آیا ما حق اخلاقی برای انتخاب کردن آنچه اخلاقاً نادرست است داریم؟ پرسیدن چنین سوالی برای پاسخ دادن به آن است.

مجدداً، هر قانونی که وضع می‌شود، انتخاب‌های یک نفر را محدود یا ممنوع می‌کند. این ماهیت قانون است. اگر نمی‌خواهیم انتخاب‌های دیگران را از طریق قوانین محدود کنیم، پس باید قانون‌گذاری را متوقف کنیم و رای‌گیری هم نکنیم. فکر می‌کنم اکثر افراد موافق خواهند بود، که آزادی انتخاب، یک آزادی مطلق نیست. هیچ انسانی برای خودش قانون مطلق نیست. مادامی که آماده نباشیم تا به یک سیستم اخلاقی از نسبیت‌گرایی محض بپردازیم، قطعاً وجود قانون و جامعه غیرممکن می‌شود، و باید از این مفهوم که یک فرد دارای آزادی عمل بدون کنترل دیگران است فرار کنیم. برای حرکت از مفاهیم انتزاعی به موارد ملموس، کنجکاو بدانم چگونه فعالان طرفدار «حق انتخاب» به قوانینی که حقوق مالکیت شخصی آنها را محافظت می‌کنند، اعتراض دارند؟ آیا دزدی که برای سرقت تلویزیون شخصی وارد خانه می‌شود، حق مسلم این انتخاب را دارد؟ آیا مرد حق انتخاب تجاوز به زن را دارد؟ این مثال‌های افراطی آشکار می‌سازد که آزادی انتخاب نمی‌تواند یک حق مطلق تلقی شود. آیا دزدی که وارد خانه‌ای می‌شود تا تلویزیون کسی را بدزدد، حق مطلقاً برای انتخاب دزدیدن دارد؟ آیا یک مرد، حق انتخاب برای تجاوز به یک زن را دارد؟ این موارد نمونه‌های بسیار افراطی‌اند که نشان می‌دهند آزادی انتخاب را نمی‌توان یک حق مطلق به حساب آورد.

حق آزادی انتخاب، تا کجا ادامه خواهد یافت؟ من معتقدم، که این به جایی ختم می‌شود که حق آزادی انتخاب، من بر حق مسلم زندگی و آزادی افراد دیگر تأثیر بگذارد. هیچ جنینی تاکنون حق انتخاب یا رد کردن نابودی خود را نداشته است. در حقیقت،

همان‌طور که دیگران گفته‌اند، خطرناک‌ترین مکان در ایالات متحده برای یک انسان، داخل رَحِم یک خانم است. برای میلیون‌ها نوزاد متولد نشده، رَحِم به یک سلول مرگ تبدیل شده است. زندانی بدون داشتن یک محاکمه یا یک کلمه دفاعیه، خیلی سریع اعدام می‌شود. این اعدام به معنای واقعی کلمه شامل کردن اعضای بدن است. آیا این یک توصیف بیش از حد نمایشی است؟ آیا از نظر احساسی بیش از حد آزاردهنده است؟ نه. فقط در صورتی این‌طور خواهد بود که توضیحات نادرست باشد. حق انتخاب، هر قدر هم که مقدس باشد، حق مطلق برای از بین بردن یک زندگی انسانی را به همراه ندارد. به همان اندازه که سقط عدالت است، سقط جنین انسان است.

آزادی انتخاب چیست که آن را بسیار ارزشمند می‌کند؟ چه چیزی پاتریک هنری را برانگیخت که فریاد بزند: "یا به من آزادی بده یا من را بکش؟" مطمئناً ما خواهان تعیین سرنوشت هستیم و مفهوم زندگی تحت جبار خارجی نفرت‌انگیز است. ما موجوداتی متفکر هستیم و برای آزادی خود در انتخاب ارزش قائلیم. بسیاری از ما از زندانی شدن متنفریم، اما حتی در یک ندامتگاه با حداکثر امنیت، حق انتخاب افراد به طور کامل سلب نمی‌شود.

این اصل تعیین سرنوشت است - که در شرایط و آینده خودم حرفی برای گفتن دارم - که به طرز بی‌رحمانه از هر کودک متولد نشده‌ای که سقط شده است، سلب می‌شود. من هیچ نظری در تصمیم مادرم برای اینکه مرا سقط کند، یا من را تا انتهای دوران حاملگی حمل کند، نداشتم. تمام زندگی من در دست او بود. اگر او تصمیم به سقط می‌گرفت، زندگی من قبل از تولد پایان می‌یافت. من و شما، انسان‌های واقعی هستیم. ما یک بار بی‌توان بودیم که از حق گران‌بهای خود برای انتخاب استفاده کنیم. ما یک بار به طور کامل به انتخاب دیگری برای وجود خود بستگی داشتیم.

یک بعد حیاتی دیگر از حق انتخاب، مسئله‌ی زمان تصمیم‌گیری اخلاقی در مورد زندگی نوزاد است. (چون این مسئله اخلاق جنسی را در بر می‌گیرد، در این بحث موضوعی بسیار ناپسند است.) زمان تصمیم‌گیری، که آیا باید نوزاد داشته باشیم یا نه، قطعاً بعد از اینکه نطفه‌ی نوزاد تشکیل شده و رشد خود را آغاز کرده است، نیست. به جز در موارد تجاوز، رابطه جنسی، با یا بدون وسیله‌ی پیشگیری از بارداری، همچنان یک موضوع انتخاب است. انتخاب‌هایی که ما انجام می‌دهیم، چه از نوع جنسی و چه غیرجنسی، همیشه پیامدهایی دارند. این یک اصل اخلاقی و قانونی است که ما برای پیامدهای انتخاب‌هایمان مسئول هستیم.

هنگامی که ما رابطه جنسی داریم، ممکن است قصد یا تمایلی برای ایجاد زندگی انسانی دیگری نداشته باشیم. با این حال، ما می‌دانیم که آمیزش، فرآیند تولید مثل را آغاز می‌کند و می‌تواند فرزندی به وجود آورد. کشتن فرزند، روشی نه چندان مسئولانه یا اخلاقی برای برخورد با این تصمیم است.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیان‌گذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده‌ی بیش از یک‌صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

گزیده‌ای از کتاب "سقط‌چین" نوشته آر. سی. اسپرول. شما می‌توانید نسخه کتاب الکترونیک را به صورت رایگان دانلود کنید. شما را تشویق می‌کنیم که این هدیه را با خانواده، دوستان و اجتماع کلیسایی خود به اشتراک بگذارید.